■ چهارشنبه ۴ آذر ۱۴۰۵ ■ ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ ■ ۲۵ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۶ ■ قیمت: ۲۰ هزار تومان

Charsoghnewspaper

نبض اقتصاد را در دست بگیرید

چارسوق

۲

پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به چهارمین رویداد جایزه ملّی جوانی جمعیّت

۲

عاقبت مانور افراطیون اصلاح‌طلب در وزارت کار؛ میدری استیضاح می‌شود

میدری از افراط سیاسی تا ناکامی مدیریتی



- سه کارت زرد مجلس را باید فراتر از یک اختلاف سیاسی میان دولت و مجلس ارزیابی کرد. این سه اخطار رسمی، حاصل مجموعه‌ای از پرسش‌ها درباره نحوه مدیریت منابع عمومی، انتصابات، اجرای سیاست‌های تأمین اجتماعی و پاسخگویی وزیر در برابر نمایندگان مردم است.
- دیروز در صحن مجلس اعلام شد که براساس گزارش دیوان محاسبات، از ۱۹۸۴ پست مدیریتی در شرکت‌های وزارت کار در دوره میدری فقط برای ۴۳ نفر ترتیبات قانونی تایید صلاحیت طی شده و ۳۹۲ نفر از مدیران نورچشمی میدری به‌طور هم‌زمان عضو هیات مدیره بیش از یک شرکت هستند.
- سقوط درآمد شستا و انتصاب مدیری که همسر و خانواده‌اش در سوئد مقیم هستند، از مهمترین عوامل استیضاح میدری است.

یادداشت

سیاست‌های غلط ارزی را گردن ترامپ نیندازیم



محمدامین لنگری
استاد دانشگاه

هرچند نقش اقدامات خصمانه دشمن در مشکلات اقتصادی بی تاثیر نیست ولی نباید اشتباهات سیاست‌های ارزی کشور را به گردن ترامپ انداخت. مجموعه‌ای غلط از سیاست‌های ارزی و تجاری اولاً موجب اتصال ارزش پول ملی به دلار و اهمیت یافتن نابجای بازار آزاد و نرخ بازار آزاد ارزی شده و ثانیاً موجب افزایش نرخ بازار آزاد دلار و به تبع آن افزایش قیمت عموم کالاها و خدمات در کشور شده که نباید اتخاذ این سیاست‌های غلط را به گردن ترامپ انداخت.

وقتی تجارت کشور به صورت کلی به بخش خصوصی واگذار می‌شود و دولت تامین ارز موردنیاز واردات کالاهای ضروری با نرخ ارز تثبیت شده دولتی را متوقف می‌کند و برای ارز بازار رسمی درست می‌کند و واردکنندگان را به بازار آزاد محول می‌نماید، خود به خود نرخ روز بازار آزاد ارز مبنای قیمت گذاری محصولات وارداتی می‌شود و ارزش پول ملی را به نرخ دلار وابسته می‌نماید. وقتی دولت کنترل قیمتی خود را از عموم محصولات موردنیاز مردم همانند روغن موتور، آرد موردنیاز صنایع غذایی و... برمی‌دارد و به تولیدکننده اجازه می‌دهد نرخ محصولات داخلی خود را براساس نرخ دلار و قیمت‌های بین‌المللی تعیین نماید، ارزش پول ملی را به نرخ بازار آزاد دلار گره می‌زند. وقتی دولت بازار نیما که نرخ مبادله ارز در آن به صورت نسبتاً باثبات توسط دولت تعیین می‌شد را تعطیل می‌کند و بازار ارزی را ایجاد می‌کند که تعیین نرخ‌های شناور در آن بر عهده سایر فروشندگان ارزی است و دولت از تثبیت نرخ ارز دولتی خودداری نموده و به بهانه تک‌نرخی کردن بازار، هر روز نرخ ارز دولتی را افزایش می‌دهد و با فروش آزاد ارز به هر کد ملی زمینه ورود سفته‌بازان به بازار ارز را فراهم می‌کند، زمینه افزایش نرخ ارز را فراهم می‌کند. وقتی دشمن به ناحق تحریم‌هایی را بر ما وضع نموده و ما راهکارهایی به ظاهر غیرقانونی را برای دور زدن تحریم‌ها و احقاق حقوق خود برگزیده‌ایم، به مشارکت گذاشتن اطلاعات مالی کشور ثمره‌ای جز کور شدن راه‌های دور زدن تحریم و اخلال در فروش نفت و بازگشت ارزهای نفتی نخواهد داشت.

ابلاغ و اجرای داوطلبانه و نابجای FATF و پالرمو که کار ترامپ نبوده را نباید در عدم بازگشت ارزهای نفتی تراستی‌ها و فشار بر بازار ارز بی تاثیر دانست. پس تقصیرهای سیاستگذاران ارزی که به پشتوانه نظریه‌های اقتصادی غلط و اعتماد به کارشناسان وابسته اتخاذشده را به گردن ترامپ و جنگ نیندازیم و راه حل مشکلات اقتصادی را به دروغ مذاکره و پایان جنگ معرفی نکنیم.



حکم انفصال شریعتمداری قطعی و لازم‌الاجراست



دیوان محاسبات اعلام کرد که هیچ‌گونه توقفی در اجرای حکم انفصال محمد شریعتمداری وجود ندارد و ادامه فعالیت او فاقد وجاهت قانونی است. دیوان محاسبات کشور اعلام کرد: درخواست اعاده دادرسی محمد شریعتمداری در محکمه تجدیدنظر دیوان محاسبات مورد رسیدگی قرار گرفته و رد شده است؛ بنابراین حکم انفصال وی قطعی و لازم‌الاجراست و هیچ تصمیم قضایی مبنی بر توقف یا تعلیق اجرای آن صادر نشده است. براساس ماده ۲۸ قانون دیوان محاسبات کشور، آرای مرجع تجدیدنظر قطعی است. همچنین مطابق ماده ۲۹ و تبصره یک آن، رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی در صلاحیت همان محکمه صادرکننده حکم قرار دارد و اتخاذ تصمیم درباره آن در چارچوب صلاحیت قانونی حاکم شرع انجام می‌شود. طبق اعلام دیوان محاسبات، در پرونده حاضر، درخواست اعاده دادرسی محمد شریعتمداری در محکمه تجدیدنظر دیوان محاسبات به ریاست رئیس محکمه تجدیدنظر و حاکم شرع دیوان محاسبات که از مقامات عالی قضایی می‌باشند، بررسی و طی رأی مورخ ۱۹ مرداد ۱۴۰۵ رد شده است. درنتیجه، رسیدگی به درخواست مذکور خاتمه یافته و حکم انفصال وی همچنان به قوت خود باقی است.



الفبای وفاق

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
چهارشنبه ۴ آذر ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۶



پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به چهارمین رویداد جایزه ملّی جوانی جمعیّت

حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به چهارمین رویداد جایزه ملی جوانی جمعیت، سیاست «افزایش جمعیت با محوریت خانواده» را یک سیاست راهبردی و از مهمترین مولفه های اقتدار و پیشرفت ایران برشمردند و تأکید کردند: بی شک هر ایرانی غیور که خواهان آینده ای روشن و با شکوه برای این آب و خاک و مردمان آن باشد، انگیزه و اراده ای قوی برای امتداد نسلی ایرانیان در تراز تمدن نوین اسلامی خواهد داشت.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی که توسط سرکار خانم دکتر مرضیه وحید دستجردی در این رویداد قرائت شد، به این شرح است:

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

برگزاری چهارمین رویداد ملّی جوانی جمعیّت، مناسبت خوبی برای صحبت در مورد مسئله خطیر جمعیّت است. در میان مؤلّفه های اقتدار و پیشرفت و دستیابی به ایران هرچه قوی‌تر، مسئله افزایش جمعیّت آینده ایران عزیز با حفظ همه جهات مطلوبه کمّی و کیفی، از اهمّ آن بشمار می آید. این مسئله راهبردی و سرنوشت ساز که در دهه های اخیر بارها مورد تأکید رهبر عظیم الشّأن شهید اعلی الله مقامه الشّریف قرار گرفته بود، هم در به فعلیّت رساندن قوّت ها و در خَلق و ارتقاء فرصت های متعدّد علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، و هم در دفع و رفع تهدیدات و بدخواهی های دشمنان، مؤثّر است. بنظر می رسد که بعد از غفلتی ممتد و خسارت بار که بر صحنه برنامه‌ریزی و مدیریت امور کشور حاکم شده بود، اینک در اثر بعضی اقدامات، مجالی فراهم شده تا مردم و مسئولان با نگرشی عمیق‌تر به این مسئله بپردازند.

در توجّه به شئون مختلف جمعیّت و ملزومات و مایحتاج آن در انواع عرصه ها، گاه خانواده و گاه فرد، معیار سنجش امور می باشد. در بعضی از امور از قبیل مسکن و بسیاری از کالاها و خدمات، مصرف کننده و کاربر آن، خانواده و در بعضی دیگر از قبیل خوراک، پوشاک، و اموری مرتبط با سلامت، فرد به‌عنوان واحد معیار در نظر گرفته می شود. مسئله دستیابی به جمعیّت مطلوب از اموری است که هر دو جهت در آن دخالت دارد.

از این رو پرداختن به انواع زیرساخت ها و جهات مرتبط با تحکیم بنیان خانواده، یک عنصر دائمی در مسیر تلاش برای اصلاح منحنی جمعیّت کشور خواهد بود؛ همچنان که رسیدگی به شئون فردی مرتبط نیز لازم است. توجّه جدّی و کلان به امر تسهیل ازدواج در سنّ جوانی، تأمین سلامت فردی، که خود وابسته به امور متعدّده‌ای است، حمایت از فرزندآوری، ترویج فرهنگ خانواده‌محوری و معرّفی نمونه‌های موفّق در این زمینه هر یک به‌منزله قدمی مؤثّر در مسیر قوی‌تر شدن ایران است. همچنین تبیین صحیح این مطالب برای آحاد ملّت و به‌خصوص جوانان هم کمکی دیگر در این جهت خواهد بود.

بی شک هر ایرانی غیور که خواهان آینده‌ای روشن و با شکوه برای این آب و خاک و مردمان آن باشد، انگیزه و اراده‌ای قوی برای امتداد نسلیِ ایرانیان در تراز تمدّن نوین اسلامی خواهد داشت. عمیقاً امیدوارم با جبران کاستی های ناشی از بعضی سیاست‌های گذشته جمعیّتی و پیگیری مجدّانه سیاست صحیح و راهبردی افزایش جمعیّت جوان و محوریّت خانواده در این مقوله، میهن عزیزمان از گردنه خطیر و مرحله سرنوشت سازی که در آن قرار داریم، به‌سلامت عبور نماید و با توفیقات الهی و دعای خیر و برکت سَرورمان عجّل‌الله تعالی فرجه‌الشّریف، اسباب نزول برکات الهی بر ایرانیان که پرچم‌داران حق و عدالت در این روزگار بشمار می‌آیند، هر چه بیشتر و بهتر فراهم شود، بمنّه و کرمه.

سیّدمجتبی حسینی خامنه‌ای
۳/آذر/۱۴۰۵



عاقبت مانور افراطیون اصلاح‌طلب در وزارت کار؛ میدری استیضاح می‌شود

میدری؛ از افراط سیاسی تا ناکامی مدیریتی

- **سه کارت زرد مجلس را باید فراتر از یک اختلاف سیاسی میان دولت و مجلس ارزیابی کرد**
- **این سه اخطار رسمی، حاصل مجموعه‌ای از پرسش‌ها درباره نحوه مدیریت منابع عمومی، انتصابات، اجرای سیاست‌های تأمین اجتماعی و پاسخگویی وزیر در برابر نمایندگان مردم است**

گزارش

نمایندگان در مجلس شورای اسلامی روز گذشته از پاسخ‌های وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در خصوص دو سوال تعدادی از نمایندگان قانع نشدند و به وی کارت زرد دادند. این سومین کارت زرد احمد میدری است و طبق قانون، استیضاح او باید در دستور کار قرار گیرد. مهمترین دلیل استیضاح میدری، انتصابات سیاسی در شرکت‌های وزارت کار است. او که خود از افراطیون اصلاح‌طلب است، در این شرکت‌ها تعداد زیادی چهره‌های سیاسی افراطی را منصوب کرده است.

مجلس شورای اسلامی در سومین مرحله از مواجهه نظارتی خود با وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، از پاسخ‌های احمد میدری قانع نشد و سومین کارت زرد را به وی نشان داد؛ اتفاقی که بار دیگر عملکرد یکی از مهم‌ترین وزارتخانه‌های اقتصادی و اجتماعی دولت چهاردهم را در کانون انتقادها قرار داد.

این بار زینب قیصری، نماینده تهران، در صحن علنی مجلس دو محور اساسی را درباره عملکرد وزارت کار به چالش کشید: نخست، علت اجرا نشدن سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی و دوم، بلاتکلیفی و بی‌ثباتی مدیریتی در شرکت سرمایه‌گذاری نفت، گاز و پتروشیمی تأمین (تاپیکو).

پس از پاسخ‌های وزیر، نماینده سؤال‌کننده اعلام کرد که از توضیحات وی قانع نشده است. در نهایت، نمایندگان با ۱۱۵ رأی مخالف، ۱۰۷ رأی موافق و ۷ رأی ممتنع از مجموع ۲۵۶ نماینده حاضر، پاسخ‌های میدری را قانع‌کننده ندانستند و سومین کارت زرد مجلس به نام وزیر کار ثبت شد.

اما اهمیت اتفاق صرفاً در سومین کارت زرد خلاصه نمی‌شود؛ بررسی سوابق مواجهه مجلس با وزیر کار نشان می‌دهد که انتقادها از عملکرد این وزارتخانه، طیف گسترده‌ای از مسائل مدیریتی، اقتصادی، رفاهی و معیشتی را در بر گرفته است.

انتصابات؛ نخستین زنگ خطر مجلس برای میدری

نخستین کارت زرد احمد میدری در ۲۱ اسفند ۱۴۰۳ و در پی سؤال کامران غضنفری، نماینده تهران، درباره جابه‌جایی‌ها و انتصابات در وزارت کار صادر شد.

محور اصلی سؤال غضنفری، انتصاب برخی افراد در مسئولیت‌های حساس و جابه‌جایی‌های مدیریتی در مجموعه‌های تابعه وزارتخانه بود. وی پیش‌تر اعلام کرده بود که سؤالش با حدود ۲۵ امضا به هیئت‌رئیسه مجلس تقدیم شده و برخی انتصابات را مغایر ضوابط قانونی می‌داند.

در آن مقطع، نمایندگان از توضیحات وزیر قانع نشدند و با ۱۳۷ رأی مخالف، ۹۹ رأی موافق و ۴ رأی ممتنع از مجموع ۲۴۴ نماینده حاضر، نخستین کارت زرد را به میدری دادند.

این موضوع البته به همان جلسه محدود نماند و انتصابات مدیریتی در وزارتخانه و شرکت‌های اقتصادی زیرمجموعه آن، در ماه‌های بعد نیز یکی از محورهای اصلی انتقاد نمایندگان باقی ماند.

کارت زرد دوم؛ غیبت وزیر در پاسخگویی درباره دهک‌بندی و کالابرگ

دومین کارت زرد میدری در ۲۳ دی ۱۴۰۴ صادر شد. در آن روز، وزیر کار برای پاسخ به سؤال زهرا سعیدی، نماینده مبارکه، درباره مسائل مرتبط با دهک‌بندی و نحوه اجرای کالابرگ در دستور کار مجلس قرار داشت.

با وجود قرار داشتن سؤال در دستور جلسه، میدری در صحن علنی حاضر نشد و اعلام کرد که دچار کسالت شده است. رئیس مجلس با استناد به ماده ۲۰۸ آیین‌نامه داخلی مجلس، عدم حضور وزیر را پذیرفتنی ندانست و سؤال را وارد تشخیص داد.

به این ترتیب، دومین کارت زرد نیز به نام وزیر کار ثبت شد؛ این بار نه به دلیل قانع نشدن نمایندگان از توضیحات وزیر، بلکه به دلیل عدم حضور وی برای پاسخگویی در صحن علنی.

تحقیق و تفحص از وزارت کار؛ فهرستی بلند از ابهامات

دامنه انتقادها از وزارت کار به طرح تحقیق و تفحص نیز کشیده شد. در ۱۷ شهریور ۱۴۰۵، کمیسیون اجتماعی مجلس با حضور احمد میدری، طرح تحقیق و تفحص از عملکرد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را بررسی کرد و با ۱۴ رأی موافق از مجموع ۱۷ عضو حاضر به تصویب رساند. این تحقیق و تفحص در ۱۰ محور تنظیم شده است که گستردگی آن نشان می‌دهد نمایندگان صرفاً به یک اختلاف مدیریتی یا یک انتصاب خاص معترض نیستند.

محورهای تحقیق و تفحص عبارت‌اند از:

۱. انتصابات و نحوه انتخاب مدیران در وزارتخانه و مجموعه‌های تابعه؛
۲. عملکرد صندوق‌های بازنشستگی؛
۳. عملکرد حوزه اشتغال؛
۴. عملکرد سازمان بهزیستی و خدمات ارائه‌شده به جامعه هدف؛
۵. عملکرد بانک‌های مرتبط با وزارتخانه؛
۶. عملکرد هیئت‌های حل اختلاف؛
۷. عملکرد بیمه عشایر و خدمات بیمه‌ای در مناطق روستایی؛
۸. عملکرد مالی وزارتخانه؛
۹. وضعیت مدیریت و نظارت بر مجموعه‌های اقتصادی وابسته؛
۱۰. بررسی سایر ابهامات و مسائل مطرح‌شده در حوزه‌های عملکردی وزارتخانه.

تصویب چنین تحقیق و تفحص گسترده‌ای در کمیسیون اجتماعی، نشان‌دهنده انباشت پرسش‌ها و ابهاماتی است که نمایندگان درباره عملکرد دستگاه تحت مدیریت میدری مطرح کرده‌اند.

استیضاح روی میز مجلس؛ انتقاد از صندوق‌ها و شستا

موضوع استیضاح وزیر کار نیز از دیگر نشانه‌های استمرار نارضایتی نمایندگان است. گزارش کمیسیون اجتماعی درباره استیضاح احمد میدری در ۱۱ مهر ۱۴۰۵ به هیئت‌رئیسه مجلس رسید.

در جریان بررسی استیضاح، موضوعاتی نظیر وضعیت صندوق‌های بازنشستگی، سازمان تأمین اجتماعی، شستا، انتصابات مدیریتی و شرایط کارگران و بازنشستگان مورد توجه نمایندگان قرار گرفت.

در همین زمینه، برخی نمایندگان نسبت به غلبه ملاحظات سیاسی و روابط غیرتخصصی بر شایسته‌سالاری در انتصابات مجموعه‌های اقتصادی وزارت کار انتقاد کرده‌اند.

به این ترتیب، پرونده عملکرد وزیر کار تنها با سؤال‌های پراکنده نمایندگان مواجه نیست، بلکه طرح تحقیق و تفحص و گزارش استیضاح نیز در کارنامه نظارتی مجلس درباره این وزارتخانه قرار گرفته است.

صندوق‌های بازنشستگی؛ مسئله‌ای فراتر از جابه‌جایی مدیران

یکی از مهم‌ترین محورهای انتقاد نمایندگان، وضعیت صندوق‌های بازنشستگی و نحوه مدیریت دارایی‌های آنهاست.

صندوق‌هایی که باید پشتوانه اقتصادی و معیشتی میلیون‌ها بازنشسته و خانواده‌های آنان باشند، به دلیل مشکلات ساختاری و مالی با چالش‌های جدی مواجه‌اند. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود وزارت کار به جای گرفتار شدن در تغییرات مدیریتی و منازعات انتصابی، برنامه‌ای روشن برای اصلاح ساختار صندوق‌ها، صیانت از دارایی‌ها و کاهش وابستگی آنها به منابع عمومی ارائه کند.

زینب قیصری نیز در جلسه دیروز مجلس با اشاره به وضعیت دارایی‌های صندوق‌های بازنشستگی تأکید کرد که اگر سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی به‌درستی اجرا می‌شد، وضعیت کارگران، بازنشستگان و صندوق‌های تأمین اجتماعی می‌توانست متفاوت باشد.

این انتقاد، مسئله‌ای اساسی را پیش روی وزارت کار قرار می‌دهد: چرا با وجود تأکید بر اصلاح ساختار تأمین اجتماعی، همچنان نمایندگان از اجرا نشدن سیاست‌های بالادستی در این حوزه سؤال می‌کنند؟

وزارتخانه‌ای با مأموریت‌های گسترده و کارنامه‌ای زیر سؤال

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از معدود دستگاه‌هایی است که به‌طور مستقیم با بخش بزرگی از زندگی روزمره مردم ارتباط دارد؛ از اشتغال و روابط کارگری و کارفرمایی گرفته تا تأمین اجتماعی، بازنشستگی، بهزیستی، حمایت از اقشار کم‌درآمد و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی بزرگ.

بنابراین ضعف در مدیریت این وزارتخانه صرفاً یک مسئله اداری نیست و آثار آن می‌تواند مستقیماً در معیشت کارگران، امنیت اقتصادی بازنشستگان و وضعیت اقشار آسیب‌پذیر نمایان شود.

از این منظر، سه کارت زرد مجلس را باید فراتر از یک اختلاف سیاسی میان دولت و مجلس ارزیابی کرد. این سه اخطار رسمی، حاصل مجموعه‌ای از پرسش‌ها درباره نحوه مدیریت منابع عمومی، انتصابات، اجرای سیاست‌های تأمین اجتماعی و پاسخگویی وزیر در برابر نمایندگان مردم است.

اکنون با ثبت سومین کارت زرد، انتظار می‌رود سازوکارهای نظارتی مجلس درباره عملکرد وزیر کار با جدیت بیشتری دنبال شود. مطابق ماده ۲۰۹ آیین‌نامه داخلی مجلس، در صورت سه بار وارد دانسته شدن سؤال از یک وزیر در هر دوره مجلس، طرح استیضاح وی با رعایت شرایط اصل ۸۹ قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی در دستور کار قرار می‌گیرد.

سه کارت زرد، یک تحقیق و تفحص گسترده و گزارش استیضاح؛ مجموعه‌ای از اخطارهای مجلس که وزیر کار دیگر نمی‌تواند آنها را صرفاً اختلاف نظرهای مقطعی تلقی کند.

در دوره آقای میدری درآمد شرکت شستا سقوط کرده است

زینب قیصری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در نطق خود در جلسه سوال از احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مجلس اظهار کرد: آقای وزیر ملتی که قریب به ۹ ماه در لبیک به پیام امامش خیابان را رها نکرده است. ملتی که برای حفظ نظام اسلامی از جان و مال آسایش خود گذشته و پای آرمان‌های انقلاب ایستاده است. آیا شایسته نیست از مدیرانی در تراز انقلاب اسلامی برخوردار شود؟

وی افزود: ملت مبعوث به پا خواسته ایران مدیری می خواهد که به آینده این کشور ایمان داشته باشد. مدیری که سرنوشت خانواده خودش را به سرنوشت این سرزمین گره زده باشد. مدیری که دغدغه‌اش ساختن ایران عزیز باشد، نه مدیری که اقامت همسر و فرزندانش در سوئد را افتخار بداند و عملا آینده‌ای برای خانواده خود در این کشور عزیز متصور نباشد.

قیصری افزود: آقای میدری شما مدیریت یکی از بزرگترین مجموعه‌های اقتصادی کشور یعنی شستا با حدود ۱۸۰ شرکت و بنگاه اقتصادی را به چنین فردی سپرده‌اید؟ مدیری که کارنامه عملکردش هم پیش روی ماست؟ آقای وزیر از وضعیت شستا خبر دارید؟ می دانید سود خالص شستا با سرمایه ثبت شده ۱۶۳ هزار میلیارد تومان در سه ماهه نخست سال مالی ۱۴۰۵ چقدر بوده است؟ تنها ۳۰ میلیارد تومان آقای وزیر، ۳۰ میلیارد تومان! می دانید در همین بازه ۹۹ درصد درآمد عملیاتی شرکت از سود فروش سرمایه‌گذاری‌ها بوده است؟ می دانید سود دلاری شستا از ۹۴۳ میلیون دلار در سال ۱۴۰۰ به چه رقمی سقوط کرده است؟ می دانید از سود حاصل از فروش سهام از ۸ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان به صفر رسیده است؟ می دانید هزینه تامین مالی شستا ۷۶ درصد افزایش یافته است؟ چه کسی پاسخگوی این وضعیت است؟ آقای وزیر شستا حیاط خلوت سیاسیون نیست، شستا امانت کارگران و بازنشستگان است.

> **دیروز در صحن مجلس اعلام شد که براساس گزارش دیوان محاسبات، از ۱۹۸۴ پست مدیریتی در شرکت‌های وزارت کار در دوره میدری فقط برای ۴۳ نفر ترتیبات قانونی تایید صلاحیت طی شده و ۳۹۲ نفر از مدیران نورچشمی میدری به طور هم‌زمان عضو هیات مدیره بیش از یک شرکت هستند**



از مسکن تا انرژی، توسعه آموزش و تولید؛

ردپای بانک گردشگری در پروژه‌های بزرگ توسعه‌ای کشور

بانک گردشگری با سرمایه‌گذاری در حوزه‌های آموزش، انرژی، مسکن، گردشگری و تولید، دامنه فعالیت‌های توسعه‌ای خود را گسترش داده است. ساخت ۴۳ مدرسه در مناطق کم‌برخوردار، مشارکت در سرمایه‌گذاری و تأمین مالی طرح‌های رفع ناترازی برق با ظرفیت ۳۱۰۰ مگاوات و احداث ۴۱۰۰ واحد مسکونی نهضت ملی مسکن در تهران و تبریز، از اقدامات شاخص این بانک به شمار می‌رود.

همچنین تأمین مالی پروژه‌های گردشگری، پرداخت تسهیلات اشتغال‌زایی برای ایجاد صدها فرصت شغلی و افزایش بیش از دوبرابری تسهیلات ودیعه مسکن، بخش دیگری از فعالیت‌های بانک گردشگری در حمایت از اقتصاد و معیشت خانوارهاست.

در حوزه تولید نیز بانک گردشگری با توسعه پلتفرم «آویرا» و ابزارهایی مانند فکتورینگ، برات الکترونیک و اوراق گام، به دنبال تسهیل تأمین مالی بنگاه‌هاست؛ به‌طوری که حجم صدور اوراق گام در شش ماهه نخست سال جاری به بیش از ۲.۵ برابر کل سال گذشته رسیده و صدور ضمانت‌نامه‌ها نیز بیش از دو برابر شده است.

حمایت از هنرمندان، برگزاری بزرگداشت چهره‌های فرهنگی و راه‌اندازی موزه و گالری آثار هنری نیز از دیگر اقدامات این بانک در مسیر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است.

گندم دامی؛ فرصتی برای کاهش آسیب‌پذیری صنعت طیور

تغییر اولویت ارزی و صدور مجوز واردات ۵۰۰ هزار تن گندم دامی، می‌تواند نقطه شروع تنوع‌بخشی به نهاده‌های صنعت طیور و کاهش وابستگی به واردات ذرت باشد. بررسی‌های تغذیه‌ای نشان می‌دهد بخشی از ذرت مصرفی در جیره طیور قابلیت جایگزینی با گندم را دارد و در صورت اصلاح ترکیب جیره، امکان افزایش این سهم نیز وجود خواهد داشت. تثبیت این سیاست و هدف‌گذاری واردات تا سقف ۲ میلیون تن در سال آینده، در کنار انتقال بخشی از واردات به مسیرهای شمالی، می‌تواند تاب‌آوری زنجیره تأمین نهاده‌های دامی را افزایش دهد.

وابستگی صنعت طیور به واردات نهاده‌های خوراک، یکی از مهم‌ترین آسیب‌پذیری‌های امنیت غذایی کشور است. بخش قابل توجهی از خوراک مورد نیاز مرغداری‌ها بر پایه ذرت دانه‌ای و کنجاله سویا تأمین می‌شود؛ دو نهاده‌ای که واردات آن‌ها علاوه بر نیاز ارزی بالا، به مسیرهای حمل‌ونقل و شبکه‌های مالی بین‌المللی وابسته است. در چنین شرایطی، هرگونه اختلال در واردات، حمل دریایی یا تسویه مالی می‌تواند به سرعت بر هزینه تولید مرغ و تخم‌مرغ اثر بگذارد. از این منظر، تنوع‌بخشی به ترکیب نهاده‌ها صرفاً یک انتخاب اقتصادی نیست، بلکه بخشی از راهبرد تاب‌آوری صنعت غذا محسوب می‌شود. در این راستا، گندم دامی فرصتی برای کاهش آسیب‌پذیری صنعت طیور است.

مجوز ۵۰۰ هزار تنی؛ گام نخست در تغییر ترکیب نهاده‌ها

براساس گزارش منتشرشده از سوی خبرگزاری تسنیم در ۲۰ شهریور ۱۴۰۵، واردات گندم دامی تا سقف ۵۰۰ هزار تن و تا پایان سال جاری مجاز شده و این محصول از گروه کالایی چهار خارج و در اولویت ارزی ۲۱ قرار گرفته است. در ادامه نیز ابلاغیه اجرایی گمرک در مهرماه، جزئیات واردات این محصول را مشخص کرد. مطابق گزارش تکمیلی تسنیم، تأمین این گندم از طریق شرکت‌های دولتی مباشر و به‌صورت بلغور در مبادی ورودی پیش‌بینی شده است.

اهمیت این تصمیم در آن است که گندم دامی می‌تواند بخشی از ذرت مورد استفاده در جیره طیور را جایگزین کند. بنابراین، سیاست‌گذار با باز کردن مسیر واردات یک نهاده جایگزین، امکان کاهش تمرکز تقاضا بر ذرت و ایجاد انعطاف بیشتر در تأمین خوراک را فراهم کرده است. البته صدور مجوز به معنای واردات قطعی ۵۰۰ هزار تن نیست و میزان تحقق آن باید با آمار ثبت سفارش، خرید، حمل و ترخیص سنجیده شود.

ظرفیت فنی جایگزینی گندم دامی فراتر از یک مجوز وارداتی

بررسی‌های کارشناسی تغذیه طیور نشان می‌دهد که امکان استفاده از گندم در دوره‌های مختلف پرورش وجود دارد. بر اساس برآوردها، سهم پیشنهادی گندم در جیره مرغ گوشتی در دوره آغازین ۱۰ درصد، دوره رشد ۲۰ درصد و دوره پایانی ۲۵ درصد است. برای مرغ تخم‌گذار نیز سهمی در حدود ۲۵ درصد مطرح شده است.

این ارقام نشان می‌دهد که گندم می‌تواند در مقیاس قابل توجهی وارد فرمولاسیون خوراک طیور شود؛ با این حال، ظرفیت فنی را نباید با تقاضای واقعی بازار یکسان دانست. کیفیت گندم وارداتی، میزان پروتئین و انرژی قابل متابولیسم، ترکیب اسیدهای آمینه، کیفیت آسیاب و شرایط پرورش در تعیین سهم اقتصادی آن اهمیت دارد. همچنین در صورت افزایش سهم گندم در جیره، استفاده از مکمل‌های آنزیمی حاوی آرابینوزایلاناز می‌تواند به بهبود قابلیت استفاده از مواد مغذی کمک کند. اما افزایش مصرف گندم باید بر اساس آزمون‌های تغذیه‌ای و عملکرد واقعی گله انجام شود، نه صرفاً با اتکا به امکان استفاده از آنزیم.



هدف‌گذاری ۲ میلیون تن گندم دامی با شرط مزیت اقتصادی

بر مبنای ظرفیت‌های مطرح‌شده، پیشنهاد می‌شود واردات گندم دامی در سال ۱۴۰۶ تا سقف ۲ میلیون تن هدف‌گذاری شود. تحقق چنین هدفی نیازمند آن است که سیاست‌گذار از صدور مجوزهای مقطعی عبور کرده و چارچوبی باثبات برای ثبت سفارش، تأمین ارز، حمل، ترخیص و توزیع این نهاده ایجاد کند.

البته افزایش واردات فقط زمانی به کاهش هزینه تولید منجر می‌شود که قیمت تمام‌شده گندم در مقایسه با ذرت مزیت داشته باشد. مقایسه قیمت خرید در روسیه و قزاقستان به‌تنهایی کافی نیست و باید هزینه حمل، بیمه، تخلیه، انتقال داخلی و ارزش تغذیه‌ای نیز محاسبه شود. همچنین نباید فرض کرد که افزایش گندم به‌طور خودکار مصرف کنجاله سویا را به همان نسبت کاهش می‌دهد؛ زیرا پروتئین این دو نهاده از نظر ترکیب اسیدهای آمینه یکسان نیست.

پیوند واردات گندم با امنیت مسیرهای شمالی

مزیت راهبردی این سیاست زمانی کامل می‌شود که واردات از مبادی شمالی نیز توسعه یابد. خرید گندم از روسیه و قزاقستان و انتقال آن از مسیر دریای خزر یا شبکه ریلی شرقی، می‌تواند وابستگی بخشی از تأمین نهاده‌ها به بنادر جنوبی و تنگه هرمز را کاهش دهد. این اقدام به معنای حذف کامل ریسک محاصره دریایی نیست، اما تنوع مسیرهای وارداتی را افزایش می‌دهد.

درنهایت، وزارت جهاد کشاورزی باید با همکاری وزارت راه و شهرسازی و بانک مرکزی، واردات گندم دامی را به یک برنامه میان‌مدت تبدیل کند. استمرار مجوزها، تضمین مزیت اقتصادی در جیره، توسعه حمل ریلی و ایجاد سازوکار تسویه مستقیم با فروشندگان روسی، چهار شرط اصلی تبدیل مجوز ۵۰۰ هزار تنی به یک ظرفیت پایدار برای امنیت غذایی کشور است.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
■ چهارشنبه ۴ آذر ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۶

اخبار



سوخت نیروگاه‌ها در تنگنای زمستانی؛

مردم چگونه به پایداری برق کمک کنند؟

بنابر گفته مسئولان، در سال گذشته هم محدودیت‌هایی در تأمین سوخت گاز داشتیم و با خسارتی که دشمن در ۲۷ اسفندماه سال گذشته به زیرساخت تولید گاز وارد کرد، این وضعیت تشدید شد.

تأمین پایدار برق در کشور ارتباط مستقیمی با وضعیت تأمین سوخت نیروگاه‌های حرارتی دارد. از آنجا که بخش عمده تولید برق کشور بر پایه گاز طبیعی انجام می‌شود، هرگونه محدودیت در تأمین این سوخت می‌تواند به‌صورت مستقیم بر عملکرد نیروگاه‌ها و پایداری شبکه برق اثر بگذارد.

در همین زمینه، الهداد، مدیرعامل شرکت توانیر، با اشاره به شرایط تأمین سوخت در ماه‌های پیش رو اظهار کرد: شرایط تأمین سوخت امسال به دلیل خساراتی که دشمن به زیرساخت‌ها وارد کرده، نسبت به سال گذشته دشوارتر است. ما در سال گذشته نیز محدودیت‌هایی در تأمین سوخت گاز داشتیم و با خسارتی که دشمن در ۲۷ اسفندماه سال گذشته به زیرساخت تولید گاز وارد کرد، این وضعیت تشدید شد. مدیرعامل شرکت توانیر ادامه داد: درمجموع ۲۳۰ میلیون مترمکعب گاز را از دست داده بودیم که با تلاش همکاران در شرکت گاز و وزارت نفت، بیش از نیمی از این خسارت جبران شده است؛ با این حال، به گفته مسئولان مربوطه، حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب از ناترازی و کسری گاز نسبت به سال گذشته همچنان باقی مانده است. وی با بیان اینکه تلاش مجموعه‌های مسئول بر بهبود شرایط تأمین گاز در روزهای آینده متمرکز است، تصریح کرد: همکاری مردم در همه بخش‌ها برای مدیریت مصرف بسیار مهم است.

وابستگی ۷۰ درصدی تولید برق به گاز؛ نقطه حساس تأمین انرژی در زمستان

در همین راستا، ذبیح‌زاده، سخنگوی صنعت برق کشور، نیز با تشریح وابستگی نیروگاه‌ها به گاز طبیعی گفت: حدود ۷۰ درصد تولید برق کشور در طول سال بر پایه سوخت گاز تأمین می‌شود. وی توضیح داد: نیروگاه‌های حرارتی کشور سوخت اصلی‌شان گاز است، البته برای شرایطی که در تأمین گاز محدودیت ایجاد شود، سوخت دوم نیز در نظر گرفته شده است؛ به‌طوری که گازوئیل برای نیروگاه‌های گازی و سیکل ترکیبی و مازوت با سهم بسیار پایین برای نیروگاه‌های بخاری استفاده می‌شود تا قابلیت اطمینان تولید برق افزایش یابد. ذبیح‌زاده با اشاره به شرایط خاص امسال در حوزه تأمین سوخت تصریح کرد: امسال ناترازی مزمن گاز با آسیب‌هایی که در حملات اواخر اسفندماه به زیرساخت‌ها و پالایشگاه‌های گازی وارد شد، تشدید یافته است. این موضوع محدودیت تأمین گاز در دوره سرد سال را افزایش داده و نیروگاه‌ها را تحت تأثیر قرار داده است؛ به‌گونه‌ای که در سرمای هفته گذشته نیز ناچار به استفاده از سوخت مایع و مصرف بخش قابل توجهی از ذخایر مخازن نیروگاهی شدیم. وی افزود: با وجود کمتر بودن ذخیره سوخت مایع کنونی نسبت به سال قبل، با ساخت مخازن جدید و افزودن حدود ۴۰۰ میلیون لیتر به ظرفیت آنها، سرجمع بیش از یک میلیارد لیتر ظرفیت ذخیره‌سازی خالی در مخازن نیروگاهی داریم که اگر پر شوند، کمک بزرگی برای آمادگی کامل در ورود به دوره سرد سال (که اوج آن از نیمه آذر تا نیمه بهمن است) خواهد بود.

ظرفیت خالی مخازن؛ فرصتی که نباید از دست برود

اظهارات مسئولان صنعت برق نشان می‌دهد که در کنار محدودیت‌های موجود در تولید و تأمین گاز، موضوع ذخیره‌سازی سوخت مایع نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. افزایش حدود ۴۰۰ میلیون لیتری ظرفیت مخازن نیروگاهی و وجود بیش از یک میلیارد لیتر ظرفیت خالی، در صورت تأمین و انتقال به موقع سوخت، می‌تواند بخشی از نگرانی‌ها درباره تأمین سوخت نیروگاه‌ها در روزهای سرد را کاهش دهد. با این حال، باید توجه داشت که ظرفیت ذخیره‌سازی خالی به معنای وجود سوخت آماده مصرف نیست. آنچه اهمیت دارد، میزان سوخت واقعی موجود در مخازن، سرعت انتقال آن به نیروگاه‌ها، استمرار عملیات سوخت‌رسانی و آمادگی شبکه حمل‌ونقل برای پاسخ‌گویی به افزایش تقاضاست.

از این منظر، پر کردن مخازن نیروگاهی باید به‌عنوان یکی از اولویت‌های عملیاتی وزارت نفت و وزارت نیرو دنبال شود. هرگونه تأخیر در تأمین سوخت مایع می‌تواند در روزهایی که مصرف گاز خانگی به اوج می‌رسد، قدرت مانور نیروگاه‌ها را کاهش دهد.

مدیریت مصرف؛ راهکاری کم‌هزینه برای عبور از ناترازی انرژی

اما در کنار اقدامات زیرساختی و تأمین سوخت جایگزین، یک موضوع اساسی وجود دارد که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد؛ آن مدیریت مصرف انرژی است. واقعیت این است که در شرایطی که کشور با محدودیت تولید و تأمین گاز مواجه است، افزایش بی‌رویه مصرف در بخش خانگی، تجاری و اداری می‌تواند فشار مضاعفی بر شبکه گاز وارد کند. از سوی دیگر، با توجه به سهم بالای گاز در تولید برق، افزایش مصرف گاز در بخش خانگی به معنای محدودتر شدن سهم سوخت قابل تخصیص به نیروگاه‌ها خواهد بود. به بیان دیگر، مصرف نامتعارف گاز در ساختمان‌ها تنها یک مسئله مربوط به قبض گاز خانوار نیست، بلکه می‌تواند به شکل غیرمستقیم بر تأمین برق میلیون‌ها مشترک نیز اثرگذار باشد. در این میان، تنظیم دمای وسایل گرمایشی در محدوده متعارف، جلوگیری از گرم کردن فضاهای بلااستفاده، استفاده از تجهیزات گرمایشی استاندارد، عایق‌بندی درها و پنجره‌ها و رعایت الگوی مصرف در ساختمان‌های اداری و تجاری از جمله اقداماتی است که می‌تواند بدون ایجاد اختلال جدی در آسایش خانوارها، میزان مصرف گاز را کاهش دهد. همچنین مدیریت مصرف برق در ساعات اوج بار، استفاده از تجهیزات کم‌مصرف، خاموش کردن روشنایی‌ها و دستگاه‌های غیرضروری و پرهیز از مصرف هم‌زمان تجهیزات پرمصرف می‌تواند به کاهش فشار بر نیروگاه‌ها کمک کند.

عبور از زمستان نیازمند هماهنگی سه ضلع تولید، تأمین و مصرف است

از منظر کارشناسی، مسئله ناترازی انرژی را نمی‌توان صرفاً با افزایش تولید یا استفاده از سوخت جایگزین حل کرد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که حتی توسعه ظرفیت تولید و افزایش امکانات ذخیره‌سازی نیز بدون مدیریت تقاضا نمی‌تواند تضمین‌کننده پایداری شبکه در روزهای اوج مصرف باشد. درواقع، عبور مطمئن از زمستان پیش رو به هماهنگی سه محور اساسی نیاز دارد؛ نخست، تلاش برای جبران خسارت‌های واردشده به زیرساخت‌های تولید و انتقال گاز و افزایش پایداری تولید؛ دوم، تکمیل ذخایر سوخت مایع نیروگاه‌ها و اطمینان از آمادگی زنجیره تأمین و حمل‌ونقل سوخت؛ و سوم، اصلاح الگوی مصرف در بخش‌های مختلف است. نکته مهم دیگر، ضرورت اطلاع‌رسانی شفاف و به‌موقع درباره وضعیت تأمین سوخت و میزان آمادگی نیروگاه‌هاست؛ درنهایت، اگرچه خسارت‌های واردشده به زیرساخت‌های گازی و باقی ماندن بخشی از کسری گاز، شرایط تأمین انرژی امسال را دشوارتر کرده است، اما مدیریت صحیح منابع، تکمیل ذخایر نیروگاهی و همراهی مردم می‌تواند از تشدید ناترازی جلوگیری کند. زمستان پیش رو آزمونی برای هماهنگی دستگاه‌های مسئول و اصلاح الگوی مصرف انرژی در کشور خواهد بود؛ آزمونی که موفقیت در آن تنها با افزایش ظرفیت تولید به دست نمی‌آید و مشارکت مردم در مصرف بهینه گاز و برق، یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ پایداری شبکه انرژی کشور خواهد بود.



تغییر مسیر بودجه‌ریزی دولت در سال ۱۴۰۶؛

اعتبار دستگاه‌ها به عملکرد گره می‌خورد

گزارش

دولت در تدوین بودجه ۱۴۰۶ به دنبال اجرای تدریجی بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در چهار وزارتخانه آموزش و پرورش، بهداشت، تعاون و علوم است؛ طرحی که بر اساس آن، اعتبارات واحدهای منتخب به جای هزینه‌های سنواتی، بر مبنای حجم و کیفیت خدمات پیش‌بینی و پرداخت می‌شود و مدیران در برابر منابع دریافتی پاسخگو خواهند بود.

دولت در چارچوب تدوین بودجه سال ۱۴۰۶، گام تازه‌ای برای تغییر نظام تخصیص منابع عمومی برداشته؛ به گونه‌ای که قرار است در بخشی از دستگاه‌های اجرایی، مبنای پیش‌بینی و پرداخت اعتبارات از الگوی سنتی و ورودی‌محور به سمت سنجش حجم و کیفیت خدمات حرکت کند. بر اساس دستورالعمل بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، اعتبارات واحدهای مجری منتخب در چهار وزارتخانه به‌صورت مستقل پیش‌بینی می‌شود و پرداخت آن نیز به عملکرد و میزان خدمات ارائه‌شده ارتباط خواهد داشت.

این رویکرد در پی اجرای تکالیف قانون برنامه هفتم پیشرفت و با هدف افزایش کارایی و اثربخشی هزینه‌های دولت طراحی شده است. در نظام بودجه‌ریزی سنتی، بخش مهمی از اعتبارات دستگاه‌ها بر اساس ساختار هزینه‌ای، نیروی انسانی و رویه‌های سنواتی پیش‌بینی می‌شود اما در الگوی جدید تلاش شده ارتباط روشن‌تری میان منابع اختصاص‌یافته و خروجی قابل اندازه‌گیری دستگاه‌ها برقرار شود.

بر اساس پیوست شماره ۴ بخشنامه بودجه ۱۴۰۶، سازمان برنامه و بودجه در ادامه اقدامات سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ اجرای این رویکرد را در چهار وزارتخانه آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و علوم، تحقیقات و فناوری دنبال می‌کند. دستگاه‌های وابسته به این وزارتخانه‌ها نیز در دامنه اجرای دستورالعمل قرار دارند.

چهار وزارتخانه در مسیر بودجه‌ریزی عملکردی

در این برنامه دو مسیر مکمل برای اصلاح نظام بودجه‌ریزی پیش‌بینی شده است. مسیر نخست، تدوین برنامه‌های راهبردی سه‌ساله غلتان و تعیین اهداف کمی و شاخص‌های عملکردی برای دستگاه‌های مشمول است. مسیر دوم، اجرای مستقیم بودجه‌ریزی و پرداخت اعتبارات مبتنی بر عملکرد در واحدهای مجری منتخب است. در بخش نخست چهار وزارتخانه مشمول باید برنامه‌های اجرایی خود را بر اساس مأموریت‌ها و مسائل کلیدی اولویت‌دار تنظیم کنند و برای هر برنامه، اهداف راهبردی، شاخص‌های سنجش و اهداف کمی سه‌ساله ارائه دهند. این برنامه‌ها پس از توافق با سازمان برنامه و بودجه، مبنای تنظیم بودجه سالانه قرار می‌گیرند.

در این چارچوب شاخص‌های عملکردی صرفاً به میزان منابع مصرف‌شده محدود نیستند و سنجش خروجی و دستاورد خدمات نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال در حوزه آموزش، تعداد دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل می‌توانند شاخص خروجی باشند و معدل دانش‌آموزان به‌عنوان شاخصی برای سنجش دستاورد مورد استفاده قرار گیرد. همچنین شاخص‌هایی مانند نرخ ترک تحصیل و جاماندگی از تحصیل برای ارزیابی عملکرد این بخش پیش‌بینی شده‌اند.

پرداخت بودجه بر اساس حجم و کیفیت خدمات

مهم‌ترین تغییر در بخش بودجه‌ریزی عملکردی مستقیم اتفاق می‌افتد؛ جایی که قرار است اعتبارات واحدهای مجری منتخب به جای اتکا به ورودی‌های بودجه‌ای، متناسب با حجم خدمت و کیفیت آن پیش‌بینی شود. بر اساس دستورالعمل واحدهای ارائه‌دهنده خدمات فردی در چهار وزارتخانه مشمول، با پیشنهاد دستگاه سیاست‌گذار و تأیید کمیته تخصصی بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد انتخاب می‌شوند. این واحدها می‌توانند در قالب قرارداد یا تفاهم‌نامه عملکردی با دستگاه مربوط فعالیت کنند. در این مدل ابتدا خدمات یا بسته‌های خدماتی استاندارد تعریف می‌شود سپس قیمت معیار هر بسته و حجم خدمات قابل ارائه در واحد مجری بر اساس داده‌های ثبت‌شده سال گذشته تعیین خواهد شد. همچنین سازوکار مشوق‌های بهره‌وری و نحوه بازتوزیع صرفه‌جویی‌ها باید مشخص شود. به این ترتیب میزان اعتبار مورد نیاز هر واحد مجری بر اساس تعداد خروجی‌های پیش‌بینی‌شده و قیمت معیار خدمات محاسبه می‌شود. برای مثال در یک بیمارستان یا واحد ارائه‌دهنده خدمات آموزشی، پیش‌بینی اعتبارات می‌تواند بر مبنای تعداد و نوع خدماتی باشد که قرار است در طول سال ارائه شود.

ردیف مستقل بودجه برای واحدهای منتخب

یکی از نکات مهم دستورالعمل تغییر نحوه درج اعتبارات واحدهای مجری منتخب در لایحه بودجه است. سازمان برنامه و بودجه موظف شده اعتبارات عمومی و اختصاصی این واحدها را در قالب یک ردیف بودجه مستقل ذیل دستگاه سیاست‌گذار پیش‌بینی کند و جزئیات آن را در جدول جداگانه‌ای در پیوست شماره ۴ لایحه بودجه درج کند. در این پیوست سقف اعتبارات هر واحد مجری و اهداف عملکردی آن به تفکیک مشخص خواهد شد. جدول اهداف عملکردی نیز شامل عنوان خدمت، سنجه کمیت خروجی، تعداد پیش‌بینی‌شده، قیمت معیار و مجموع اعتبار عملکردی است. در مرحله اجرا نیز تخصیص اعتبار بر اساس گزارش عملکرد واحد مجری درباره حجم خدمات ارائه‌شده و قیمت معیار مورد توافق انجام می‌شود. سازمان برنامه و بودجه پس از دریافت گزارش و تأیید دستگاه سیاست‌گذار، نسبت به تخصیص اعتبار اقدام خواهد کرد تا منابع در وجه واحد مجری پرداخت شود.

مهم‌ترین تغییر در بخش بودجه‌ریزی عملکردی مستقیم اتفاق می‌افتد؛ جایی که قرار است اعتبارات واحدهای مجری منتخب به جای اتکا به ورودی‌های بودجه‌ای، متناسب با حجم خدمت و کیفیت آن پیش‌بینی شود

افزایش اختیار مدیران در برابر تعهد به عملکرد

اجرای این الگو تنها به تغییر شیوه تخصیص منابع محدود نمی‌شود و در ساختار اختیارات واحدهای منتخب نیز تغییراتی پیش‌بینی شده است. بر اساس دستورالعمل، اختیارات و مسؤولیت‌های قابل تفویض بالاترین مقام دستگاه اجرایی، از جمله بخشی از اختیارات مرتبط با تشخیص، تعهد، تسجیل و حواله هزینه‌ها، می‌تواند به مدیر واحد مجری منتقل شود. در مقابل سقف تعهدات دولت در برابر این واحدها در قالب قرارداد یا تفاهم‌نامه عملکردی مشخص خواهد شد. این تعهدات شامل کمیت و کیفیت خدمات و شاخص‌های عملکردی مربوط است. همچنین مدیر واحد مجری در چارچوب مقررات و توافق‌نامه عملکردی می‌تواند از اختیارات بیشتری برای استفاده بهینه از منابع انسانی و فیزیکی و درآمدزایی برخوردار شود؛ مشروط بر اینکه به مأموریت‌های اصلی دستگاه لطمه وارد نشود.

آزمون دشوار سنجش کیفیت و هزینه واقعی خدمات

با وجود مزایای مورد انتظار اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد با ملاحظات مهمی همراه است. خود دستورالعمل نیز بر ضرورت توجه به محدودیت‌های استفاده از بهای تمام‌شده خدمات در ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها تأکید کرده است. یکی از این ملاحظات اثر تورم و عوامل خارج از کنترل مدیران بر هزینه ارائه خدمات است. بهای تمام‌شده یک متغیر اسمی محسوب می‌شود و مقایسه آن در طول زمان بدون تبدیل به قیمت ثابت و تفکیک آثار عوامل برون‌زا، نمی‌تواند مبنای دقیقی برای ارزیابی عملکرد باشد.

چالش دیگر سنجش کیفیت خدمات است. کاهش هزینه ارائه یک خدمت لزوماً به معنای افزایش بهره‌وری نیست؛ زیرا ممکن است کاهش هزینه از محل افت کیفیت، کاهش تعمیر و نگهداری تجهیزات یا استفاده از نیروی انسانی و پیمانکاران کم‌کیفیت حاصل شده باشد. در چنین شرایطی اگر نظام ارزیابی صرفاً بر کاهش بهای تمام‌شده متمرکز شود، ممکن است در کوتاه‌مدت صرفه‌جویی بودجه‌ای ایجاد کند اما در بلندمدت کیفیت و پایداری خدمات عمومی را تضعیف کند. از همین رو موفقیت الگوی جدید به طراحی شاخص‌های معتبر برای سنجش هم‌زمان کمیت، کیفیت و هزینه خدمات وابسته است. همچنین باید میان عملکرد مدیران و عواملی که خارج از اختیار آنها قرار دارد، تفکیک روشنی وجود داشته باشد.

بودجه ۱۴۰۶؛ آغاز اجرای تدریجی یک اصلاح ساختاری

دستورالعمل برای اجرای این برنامه زمان‌بندی مشخصی در نظر گرفته است. پیشنهاد واحدهای مجری از سوی دستگاه‌ها، تأیید واحدهای منتخب و تعیین مدل بودجه‌ریزی، تعیین حجم فعالیت و قیمت معیار و درنهایت پیش‌بینی اعتبارات در لایحه بودجه، مراحل اصلی این فرآیند را تشکیل می‌دهند. بر اساس زمان‌بندی اعلام‌شده تعیین حجم فعالیت و قیمت معیار واحدهای مجری تا پایان آبان و پیش‌بینی اعتبارات مورد نیاز در لایحه بودجه در آذرماه انجام می‌شود.

با این حال نکته مهم آن است که دستورالعمل سال ۱۴۰۶ صرفاً تکالیف دستگاه‌ها در مرحله تدوین بودجه را مشخص کرده و دستورالعمل‌های مربوط به پرداخت اعتبارات مبتنی بر عملکرد، گزارشگری مالی و عملکردی و محاسبه بهای تمام‌شده خدمات قرار است جداگانه ابلاغ شود. بنابراین بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در سال آینده را باید آغاز یک فرآیند تدریجی دانست، نه استقرار کامل نظام جدید در همه دستگاه‌های دولت. نتیجه این تغییر زمانی قابل ارزیابی خواهد بود که مشخص شود آیا اتصال اعتبارات به عملکرد توانسته است کیفیت خدمات عمومی را افزایش دهد، هزینه‌های غیرضروری را کاهش دهد و پاسخگویی مدیران را تقویت کند یا خیر.

کمبود گازوئیل، انتقال محصول به دامداری‌ها را مختل کرده است

بخشی از ذرت علوفه‌ای تولیدشده در مناطق کشاورزی، به دلیل محدودیت گازوئیل برای برداشت و حمل‌ونقل، به موقع به مراکز مصرف نمی‌رسد؛ این در حالی است که دامداران همچنان متقاضی خرید محصول هستند و نمی‌توان باقی ماندن آن در مبدأ را نشانه مازاد عرضه در کشور دانست. در چنین شرایطی، صدور مجوز صادرات به جای رفع گلوگاه سوخت و حمل، می‌تواند با ایجاد انتظارات قیمتی، هزینه تأمین خوراک دام را افزایش دهد. سیاست‌گذار باید پیش از هرگونه تصمیم درباره صادرات، انتقال محصول به قطب‌های دامپروری و تأمین نیاز داخلی را در اولویت قرار دهد.

تأمین پایدار خوراک دام یکی از پیش‌شرط‌های حفظ تولید شیر و محصولات پروتئینی کشور است. از این منظر، تصمیم درباره صادرات محصولات مرتبط با تغذیه دام باید با توجه به تراز واقعی عرضه و تقاضای داخلی اتخاذ شود. با این حال، ابلاغ مجوز مشروط صادرات ذرت علوفه‌ای، پرسش‌هایی درباره نحوه ارزیابی نیاز داخلی و هماهنگی میان بخش‌های مختلف وزارت جهاد کشاورزی ایجاد کرده است. بر اساس ابلاغیه سازمان توسعه تجارت در ۱۱ آبان ۱۴۰۵، صادرات ذرت علوفه‌ای با کدهای تعرفه ۱۰۰۵۹۰۱۰ و ۱۰۰۵۹۰۹۰، صرفاً با معرفی و تأیید سازمان جهاد کشاورزی استان مربوطه امکان‌پذیر شده است. این تصمیم در پی نامه معاونت توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی در ۶ آبان صادر شده و به معنای آزادسازی بدون قید و شرط صادرات نیست؛ اما امکان صدور مجوز در سطح استانی را فراهم می‌کند.

مشکل کشاورز، نبود مشتری نیست؛ کمبود گازوئیل است

بررسی‌های کارشناسی ارائه‌شده به مسیر اقتصاد نشان می‌دهد که باقی ماندن بخشی از محصول ذرت علوفه‌ای در دست کشاورزان، لزوماً ناشی از نبود تقاضا یا پایین بودن قیمت خرید نیست. یکی از دلایل اصلی مطرح‌شده، محدودیت دسترسی به گازوئیل برای برداشت محصول و انتقال آن از مناطق تولید به مراکز مصرف است. این مسئله به‌ویژه در خوزستان اهمیت دارد؛ استانی که بخشی از تولید علوفه کشور را تأمین می‌کند و محصول آن باید به قطب‌های دامپروری و تولید شیر، از جمله اصفهان و تهران، منتقل شود. در چنین شرایطی، وقتی کشاورز برای برداشت و حمل محصول با محدودیت سوخت مواجه است، باقی ماندن محصول در مزرعه یا انبار نباید به‌عنوان مازاد واقعی تولید در سطح ملی تفسیر شود. درواقع، ممکن است در یک منطقه محصول روی دست کشاورز مانده باشد، اما هم‌زمان دامداری در منطقه‌ای دیگر برای تأمین همان محصول با محدودیت عرضه مواجه شود. این وضعیت بیش از آنکه نشانه مازاد تولید باشد، بیانگر اختلال در ارتباط میان مناطق تولید و مصرف است.

قیمت ۱۲ هزار تومانی ذرت علوفه‌ای نشانه‌ای از تقاضای واقعی دامداری‌ها

مطابق اطلاعات ارائه‌شده از سوی کارشناس حوزه تغذیه دام به رسانه مسیر اقتصاد، دامداران در شرایط فعلی ذرت علوفه‌ای را با قیمت حدود ۱۲ هزار تومان به ازای هر کیلوگرم و با تسویه مدت‌دار سه تا چهارماهه خریداری می‌کنند. با توجه به اینکه ماده خشک این محصول حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد اعلام شده، قیمت هر کیلوگرم ماده خشک آن در محاسبه ساده وزنی، معادل ۴۸ تا ۶۰ هزار تومان خواهد بود. این محاسبه نشان می‌دهد که قیمت اسمی محصول تازه، بدون توجه به میزان ماده خشک، نمی‌تواند معیار مناسبی برای ارزیابی اقتصادی آن باشد. البته مقایسه نهایی با سایر نهاده‌ها باید ارزش غذایی، قابلیت هضم، هزینه حمل و شرایط نگهداری را نیز در نظر بگیرد. با این حال، وجود خرید در این سطح قیمتی، این پرسش را مطرح می‌کند که اگر بازار داخلی مشتری دارد، چرا سیاست‌گذار باید برای خروج محصول از کشور مجوز صادر کند؛ در حالی که راهکار رفع مشکل کشاورز می‌تواند تأمین سوخت و تسهیل انتقال محصول به بازار داخلی باشد؟

صادرات می‌تواند انتظارات قیمتی را تغییر دهد

حتی پیش از انجام صادرات، اعلام مجوز و ایجاد انتظار برای امکان فروش محصول در بازار خارجی می‌تواند بر رفتار عرضه‌کنندگان اثر بگذارد. در چنین شرایطی، فروشندگان ممکن است قیمت پیشنهادی خود را با در نظر گرفتن فرصت صادرات افزایش دهند و خریداران داخلی نیز برای جلوگیری از افزایش بیشتر هزینه خوراک، به خرید زودتر روی بیاورند. در اطلاعات کارشناسی ارائه‌شده، افزایش قیمت داخلی هم‌زمان با مطرح شدن موضوع صادرات گزارش شده است؛ هرچند برای اثبات رابطه مستقیم، بررسی سری زمانی قیمت و حجم معاملات ضروری است.



تبعات این مسئله تنها به دامداران محدود نمی‌شود. افزایش هزینه تأمین علوفه می‌تواند به هزینه تمام‌شده شیر و محصولات لبنی منتقل شود و درنهایت فشار بیشتری بر تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان وارد کند.

صادرات بدون استانداردسازی؛ مسئله کیفیت و ماندگاری

یکی دیگر از ملاحظات مطرح‌شده، وضعیت نگهداری و کیفیت ذرت علوفه‌ای است. محصول تازه برداشت‌شده، در صورت تأخیر در مصرف یا فرآوری، با محدودیت ماندگاری مواجه می‌شود و برای نگهداری بلندمدت باید تحت فرآیند سیلو کردن استاندارد قرار گیرد.

البته سیلاژ استاندارد با محصول تازه و فرآوری‌نشده تفاوت دارد و نمی‌توان برای همه انواع ذرت علوفه‌ای یک ماندگاری سه‌روزه در نظر گرفت. با این حال، صادرات این محصول مستلزم تعیین مشخصات فنی روشن، از جمله میزان ماده خشک، کیفیت تخمیر، آلودگی‌های احتمالی، نحوه بسته‌بندی و شرایط حمل‌ونقل است. بدون چنین استانداردهایی، احتمال برگشت محموله، افت کیفیت و تحمیل هزینه به صادرکننده و تولیدکننده وجود خواهد داشت.

رفع گلوگاه داخلی به جای تسهیل صادرات ذرت علوفه‌ای

وزارت جهاد کشاورزی باید پیش از صدور هرگونه مجوز صادراتی، تراز عرضه و تقاضای ذرت علوفه‌ای را در سطح ملی و استانی تهیه کند. این ارزیابی باید میزان تولید، موجودی محصول، نیاز دامداری‌ها، ظرفیت حمل‌ونقل و محدودیت‌های سوخت را به‌صورت هم‌زمان در نظر بگیرد. در کوتاه‌مدت، تأمین گازوئیل موردنیاز برداشت و حمل محصول در مناطق تولیدکننده، به‌ویژه خوزستان، باید در اولویت قرار گیرد. همچنین لازم است ظرفیت ناوگان حمل و برنامه انتقال محصول به قطب‌های دامپروری متناسب با فصل برداشت تنظیم شود. تا زمانی که مازاد واقعی محصول پس از تأمین نیاز داخلی احراز نشده است، صادرات نباید به راهکار حل مشکل فروش کشاورزان تبدیل شود. تصمیم اخیر همچنین ضرورت هماهنگی میان معاونت تخصصی تولیدات دامی، دفتر تغذیه و معاونت توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی را نشان می‌دهد؛ زیرا سیاست تجاری درباره یک محصول کشاورزی نباید بدون توجه به پیامدهای آن برای زنجیره تولید دام و لبنیات اتخاذ شود.

درنهایت، مسئله ذرت علوفه‌ای نمونه‌ای از یک خطای مهم در سیاست‌گذاری کشاورزی است؛ زمانی که محصول به دلیل اختلال در زیرساخت برداشت و توزیع به بازار نمی‌رسد، تسهیل صادرات لزوماً راه‌حل نیست. ابتدا باید امکان انتقال محصول به مصرف‌کننده داخلی فراهم شود و تنها پس از احراز مازاد واقعی، درباره صادرات آن تصمیم‌گیری کرد.

چهارشنبه ۴ آذر ۱۴۰۵ ■ ۱۵ جمادی الثانی ۱۴۴۸ ■ ۲۵ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۶
مدیر مسئول: مهدی مهرپور
چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹
کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲
چارسوق نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper.com

اخبار



حذف مشمولان از کالابرگ براساس شاخص‌های دارایی، مبنای قانونی ندارد

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفت: اساساً حذف افراد از طرح کالابرگ برخلاف مبنای قانونی و فلسفه شکل‌گیری این طرح است. موضوع حذف برخی خانوارها از طرح کالابرگ و تعیین معیارهایی مانند مالکیت خودرو با ارزش بیش از ۷.۵ میلیارد تومان، املاک مسکونی و غیرمسکونی با ارزش بالا، دارایی‌های بورسی، تسهیلات بانکی، کارت بازرگانی و میزان مصرف انرژی، به یکی از موضوعات مورد بحث افکار عمومی تبدیل شده است.

زنگنه، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس و رئیس کمیسیون حمایت از تولید مجلس، درباره مبنای شکل‌گیری کالابرگ یک میلیون تومانی و نحوه تعیین شاخص‌های حذف مشمولان توضیحاتی ارائه کرد.

وی با اشاره به اینکه طرح کالابرگ در جریان بررسی بودجه سال ۱۴۰۵ شکل گرفت، اظهار کرد: در دی‌ماه، دولت اعلام کرد ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی کالاهای اساسی را حذف کرده است. در آن مقطع، بحث جدی در مجلس شکل گرفت و بسیاری از نمایندگان با این تصمیم مخالفت کردند؛ چراکه اعتقاد داشتند حذف ارز ترجیحی بدون فراهم کردن زیرساخت‌های لازم، قطعاً به افزایش تورم منجر می‌شود.

زنگنه افزود: در آن زمان دولت پیشنهاد داد مابه‌التفاوت درآمد حاصل از تغییر نرخ ارز کالاهای اساسی را در قالب کالابرگ به مردم اختصاص دهد. این موضوع از سوی رئیس سازمان برنامه و بودجه، معاونان وی و وزیر اقتصاد در رسانه‌ها و همچنین در صحن علنی مجلس و کمیسیون تلفیق مطرح شد و نمایندگان نیز با اتکا به همین تعهدات، بودجه سال ۱۴۰۵ را تصویب کردند.

وی با بیان اینکه در بودجه برای اجرای طرح کالابرگ اعتباری در نظر گرفته شده است، گفت: بر اساس برآوردهای اولیه، برای پرداخت کالابرگ به حدود ۸۷ میلیون نفر در شش ماه نخست سال، به حدود ۶۱۰ هزار میلیارد تومان منابع نیاز بود.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس ادامه داد: بررسی اطلاعات مربوط به میزان فروش نفت و درآمدهای حاصل از آن نشان می‌دهد دولت در این مدت بیش از منابع مورد نیاز کالابرگ درآمد داشته است؛ به‌طوری که برآوردها از درآمدی بین ۶۵۰ تا ۶۸۵ هزار میلیارد تومان حکایت دارد. بنابراین دولت در شش ماه نخست سال نه‌تنها با کمبود منابع برای اجرای این طرح مواجه نبوده، بلکه حتی امکان افزایش اعتبار کالابرگ از یک میلیون تومان به یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان یا بیشتر را نیز داشته است.

منابع کالابرگ در هزینه‌های دیگر دولت مصرف شد

زنگنه با انتقاد از نحوه مدیریت منابع بودجه‌ای در دولت تصریح کرد: متأسفانه نوعی بی‌نظمی در مدیریت منابع و مصارف بودجه وجود دارد. دولت به جای اینکه درآمدهای حاصل از محل‌های مختلف را بر اساس سرفصل‌های قانونی هزینه کند، همه منابع را در یک مجموعه تجمیع کرده و سپس برای پرداخت حقوق و دستمزد، سود اوراق و سایر هزینه‌های تحمیل‌شده به دولت از آن برداشت کرده است.

وی افزود: همین مسئله موجب شده منابعی که باید به کالابرگ اختصاص پیدا می‌کرد، در بخش‌های دیگر هزینه شود و درنهایت دولت با کمبود اعتبار مواجه شود. این موضوع حتی باعث نارضایتی برخی فروشندگان طرف قرارداد طرح نیز شده است؛ هرچند به گفته آنان، وضعیت تسویه حساب‌ها تا حدودی بهتر شده است.

شاخص‌های حذف مشمولان بر اساس میزان اعتبار تنظیم می‌شود

این نماینده مجلس با تأکید بر اینکه شاخص‌های اعلام‌شده برای حذف خانوارها از کالابرگ مبنای منطقی و ثابتی ندارد، اظهار کرد: دولت این شاخص‌ها را از ابتدا تعیین نکرده که بر اساس آن مشخص کند چه کسی مشمول کالابرگ نیست؛ بلکه ابتدا میزان منابع موجود خود را در نظر می‌گیرد و سپس به مجموعه‌های زیرمجموعه اعلام می‌کند شاخص‌ها را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که درنهایت تعداد مشمولان با اعتبار موجود تناسب داشته باشد.

زنگنه ادامه داد: بنابراین مسئله اصلی این نیست که شاخص‌ها بر اساس یک مبنای اقتصادی و منطقی تعیین شده باشند، بلکه دولت ابتدا میزان پولی را که در اختیار دارد مشخص می‌کند و بعد معیارها را به‌گونه‌ای تغییر می‌دهد که تعداد افراد مشمول با همان منابع تطبیق پیدا کند.

وی با اشاره به اینکه ارزش دارایی به‌تنهایی نمی‌تواند معیار دقیقی برای سنجش وضعیت اقتصادی خانوار باشد، گفت: ممکن است فردی خودرویی را با قیمت پایین خریداری کرده باشد، اما ارزش آن در اثر تورم افزایش پیدا کرده باشد؛ با این حال، این دارایی لزوماً به معنای برخورداری از درآمد بالا نیست. برای مثال، ممکن است خانواری پنج نفره خودرویی با ارزش چند میلیارد تومان داشته باشد، اما درآمد آنچنانی نداشته باشد و همین دارایی نیز بخش مهمی از وضعیت اقتصادی آن خانواده را تشکیل دهد.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس تأکید کرد: ممکن است ارزش مسکن یا سایر دارایی‌های افراد در اثر تورم افزایش پیدا کرده باشد، اما این موضوع به معنای افزایش قدرت خرید و درآمد واقعی خانوار نیست. بنابراین نمی‌توان صرفاً با تکیه بر چنین شاخص‌هایی درباره برخورداری یا عدم برخورداری افراد از حمایت‌های معیشتی تصمیم گرفت.

حذف از کالابرگ با تغییر شاخص‌ها ادامه پیدا می‌کند

زنگنه با هشدار نسبت به پیامدهای این شیوه تصمیم‌گیری اظهار کرد: وقتی مبنای حذف افراد، میزان منابع موجود دولت باشد، اگر فردا منابع دولت کمتر شود، ممکن است شاخص‌ها باز هم تغییر کند و حتی داشتن خودرویی مانند پراید یا سایر معیارهای غیرمرتبط به فهرست حذف اضافه شود.

وی افزود: حتی ممکن است معیارهایی مانند تعداد دفعات سفر یا زیارت افراد نیز به شاخص‌های حذف اضافه شود؛ بنابراین مسئله اصلی، خود شاخص‌ها نیست، بلکه کمبود منابعی است که دولت برای اجرای تعهدات خود در نظر گرفته است.

این نماینده مجلس در پاسخ به پرسشی درباره ضرورت ورود مجلس برای دفاع از حقوق مردم و جلوگیری از حذف غیرمنطقی خانوارها از طرح کالابرگ، گفت: واقعیت این است که مجلس باید در این زمینه مداخله کند. زنگنه در پایان بر ضرورت ورود مجلس به موضوع و بررسی نحوه اجرای طرح کالابرگ تأکید کرد.



رانت ۱.۵ میلیون تنی در بازار نان؛

انحراف یارانه آرد کجاست؟

گزارش

در حالی که نان یکی از مهم‌ترین اقلام سبد غذایی خانوارهای ایرانی است، بررسی وضعیت زنجیره تأمین و توزیع آرد و نان از ابعاد قابل توجه انحراف در مصرف منابع یارانه‌ای حکایت دارد. براساس آمارهای موجود، اقلیتی کمتر از یک درصد از دریافت‌کنندگان، ۱.۵ میلیون تن گندم کشور را دریافت کرده‌اند که بخشی از آن به جای تأمین نان مورد نیاز مردم، به مصارفی مانند دام‌پروری، آبزی‌پروری و صنعت اختصاص یافته است.

بررسی وضعیت مصرف آرد و نان نشان می‌دهد که اختلاف میان میزان مصرف متعارف خانوارها و برخی خریدهای ثبت‌شده در سامانه نانینو بسیار فراتر از تفاوت‌های معمول الگوی مصرف است. میانگین مصرف آرد هر ایرانی حدود ۸ کیلوگرم در ماه برآورد می‌شود و این میزان در استان‌های مختلف، بسته به الگوی مصرف نان، بین ۶ تا ۱۲ کیلوگرم متغیر است. با این حال، داده‌های ثبت‌شده در سامانه هوشمندسازی آرد و نان نشان می‌دهد گروهی از خریداران، حجم نانی معادل بیش از ۱۰۰ کیلوگرم آرد در ماه خریداری کرده‌اند. نکته قابل توجه آن است که براساس آمارهای موجود، اقلیتی از دریافت‌کنندگان معادل ۱۵ درصد کل آرد یارانه‌ای کشور را به خود اختصاص می‌دهند. همچنین برآوردها حاکی از آن است که گروهی کمتر از یک درصد، حدود ۱.۵ میلیون تن گندم دریافت کرده‌اند که بخشی از آن از چرخه تولید نان خارج شده است.

اگرچه درباره دوره زمانی این رقم و نحوه محاسبه آن اطلاعات تفصیلی منتشر نشده اما ابعاد این آمار ضرورت بررسی مسیر مصرف آرد و گندم یارانه‌ای را نشان می‌دهد. درواقع، مسئله صرفاً خرید بیش از نیاز یک خانوار نیست؛ بلکه احتمال شکل‌گیری شبکه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی مطرح است که از اختلاف قیمت آرد و نان یارانه‌ای با مواد اولیه مورد استفاده در سایر بخش‌ها بهره می‌برند.

از خرید ماهانه ۱۲ تن آرد تا استفاده از ۱۰۰ کارت بانکی

آمارهای مربوط به خرید نان در کشور، ابعاد دیگری از خریدهای نامتعارف را آشکار می‌کند. براساس اطلاعات منتشرشده توسط وزارت کشور، ۶۶ هزار و ۸۸۸ نفر شناسایی شده‌اند که میزان خرید ماهانه نان آنها معادل بیش از ۱۰۰ کیلوگرم آرد بوده است. مجموع مازاد مصرف ثبت‌شده این افراد نسبت به سرانه متعارف، ۱۷ هزار و ۱۸۳ تن اعلام شده است.

این در حالی است که برخی نمونه‌ها از نظر حجم خرید، به مراتب غیرعادی‌تر هستند. در استان فارس، برای یک خانوار هفت‌نفره به‌طور میانگین ماهانه معادل ۱۲ هزار و ۴۳۹ کیلوگرم آرد ثبت شده؛ رقمی که در یک دوره ده‌ماهه به حدود ۱۲۴ تن می‌رسد. در سیستان و بلوچستان نیز برای یک خانوار شش نفره، میانگین ماهانه ۱۰ هزار و ۵۱۲ کیلوگرم آرد به ثبت رسیده است.

برای درک ابعاد این ارقام کافی است بدانیم مصرف متعارف یک خانوار هفت نفره با سرانه ۸ کیلوگرم، حدود ۵۶ کیلوگرم آرد در ماه خواهد بود. بنابراین رقم ثبت‌شده برای خانوار استان فارس بیش از ۲۲۰ برابر این میزان است. همچنین بررسی تراکنش‌های خرید نان از خرید با ۱۰۰ کارت بانکی توسط یک خانوار چهارنفره در بوشهر و ۷۴ کارت بانکی توسط یک خانوار پنج نفره در گلستان حکایت دارد. چنین الگوهایی ضرورت بررسی ماهیت واقعی تراکنش‌ها را نشان می‌دهد. با این حال، ثبت خرید نامتعارف به تنهایی به معنای اثبات تخلف یا مصرف شخصی این حجم از آرد نیست و برای مشخص شدن ماهیت معاملات، بررسی ارتباط کارت‌های بانکی، نانوایی‌ها و دریافت‌کنندگان نهایی ضروری است.

وقتی نان یارانه‌ای به خوراک دام تبدیل می‌شود

یکی از مهم‌ترین مسائل در زنجیره توزیع آرد و نان، مسیرهای خروج نان از چرخه مصرف خانوار است. خرید نان در حجم بالا، خشک کردن آن و استفاده در خوراک دام، بهره‌گیری از نان در پرورش طیور و آبزیان، انتقال آرد و نان به واحدهای شیرینی و شکلات و فروش مجدد نان با قیمت بالاتر، از جمله مصادیق انحراف در مصرف منابع یارانه‌ای به شمار می‌روند.

همچنین برخی نانوایان با ثبت تراکنش‌های غیرواقعی یا ثبت تعداد بیشتری نان در دستگاه کارتخوان، امکان دریافت منابع مالی بیشتر و خروج بخشی از آرد یارانه‌ای از شبکه رسمی را فراهم کرده‌اند.

از منظر اقتصادی، ریشه چنین رفتارهایی را باید در اختلاف قیمت میان کالای یارانه‌ای و مواد اولیه مورد استفاده در فعالیت‌های تجاری جست‌وجو کرد. هنگامی که هزینه تهیه نان یا آرد یارانه‌ای از ارزش اقتصادی آن در بازارهای دیگر پایین‌تر باشد، انگیزه انتقال منابع از مصرف خانوار به مصارف تجاری شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی، یارانه‌ای که برای کاهش هزینه تأمین غذای مردم اختصاص یافته، ممکن است به کاهش هزینه تولید برخی بنگاه‌ها یا کسب درآمد برای واسطه‌ها منجر شود.

این وضعیت علاوه بر تحمیل هزینه به منابع عمومی، می‌تواند تعادل عرضه نان را نیز تحت تأثیر قرار دهد. حتی با افزایش سهمیه آرد برخی نانوایی‌ها، ممکن است مردم همچنان در صف خرید نان معطل شوند؛ زیرا بخشی از محصول به جای عرضه مستمر به خانوارها، برای مصارف دیگر کنار گذاشته می‌شود. با این حال، میزان دقیق نانی که از این مسیرها خارج شده، به تفکیک هر نوع فعالیت اقتصادی مشخص نیست و برای برآورد سهم واقعی هر بخش، انتشار اطلاعات تکمیلی از سوی نهادهای ذی‌ربط ضروری است.

ضعف نظارت و پرسش از سرنوشت یارانه‌ها

ابعاد مسئله زمانی جدی‌تر می‌شود که عملکرد دستگاه‌های نظارتی نیز مورد بررسی قرار گیرد. براساس آمارهای موجود، در ۶۵ درصد استان‌ها دستگاه‌های متولی و نظارتی طی سه سال وارد سامانه مربوط نشده‌اند. همچنین در پنج استان، عدم ورود این دستگاه‌ها به بیش از چهار سال رسیده و در سه استان نیز دستگاه‌های مسئول حتی کد کاربری استفاده از سامانه را در اختیار نداشته‌اند. این آمارها پرسش مهمی ایجاد می‌کند؛ اگر زیرساخت ثبت و پایش تراکنش‌ها وجود داشته، چرا نظارت مستمر بر خریدهای چندتنی یا استفاده از ده‌ها کارت بانکی انجام نشده است؟

از سوی دیگر، فهرست ۶۶ هزار و ۸۸۸ نفر دارای خرید نامتعارف برای بررسی و برخورد قانونی به سازمان تعزیرات ارسال شده اما اطلاعات موجود از اعلام نتیجه رسیدگی به این پرونده‌ها حکایت ندارد. در همین حال، دولت در قالب برنامه اصلاح زنجیره آرد و نان، مجموعه‌ای از اقدامات را آغاز کرده که مجموع صرفه‌جویی سالانه برآوردشده برای ۱۳ اقدام آن به ۱۴۱.۱ هزار میلیارد تومان می‌رسد. این رقم البته بیانگر برآورد مالی اقدامات است و نباید آن را معادل منابع قطعی بازگشته به خزانه دانست.

اکنون مسئله اصلی فقط شناسایی تراکنش‌های غیرعادی یا حذف مسیرهای سوءاستفاده نیست. دولت باید روشن کند چه میزان از منابع یارانه‌ای واقعاً از چرخه تأمین نان خانوار خارج شده، چه دستگاه‌هایی مسئول پیشگیری از این انحراف بوده‌اند و چه اقداماتی برای بازگرداندن منابع و جلوگیری از تکرار آن صورت گرفته است.

اصلاح نظام یارانه آرد و نان زمانی می‌تواند به نفع مردم تمام شود که علاوه بر مقابله با رانت، دسترسی پایدار خانوارها به نان با قیمت حمایتی را تضمین کند. در غیر این صورت، این خطر وجود دارد که هزینه ناکارآمدی شبکه توزیع و ضعف نظارت، به‌جای عاملان انحراف منابع، بر دوش مصرف‌کنندگان واقعی قرار گیرد

اصلاح نظام یارانه آرد و نان زمانی می‌تواند به نفع مردم تمام شود که علاوه بر مقابله با رانت، دسترسی پایدار خانوارها به نان با قیمت حمایتی را تضمین کند. در غیر این صورت، این خطر وجود دارد که هزینه ناکارآمدی شبکه توزیع و ضعف نظارت، به‌جای عاملان انحراف منابع، بر دوش مصرف‌کنندگان واقعی قرار گیرد.

جنگ علیه ایران پاشنه آشیل آمریکا را برملا کرد

یک نشریه آمریکایی با اشاره به اینکه جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، در حال برملا کردن پاشنه آشیل واشنگتن است، نوشت: عربستان سعودی ۲ سال پیش، بی‌سروصدا به نظام موسوم به «پترودلار» پایان داد و چین در تلاش است تا جایگزینی قابل اتکا برای آن معرفی کند.

نشریه «فورچون/fortune» در این گزارش می‌نویسد: شاید نظام پولی مبتنی بر طلا یا همان «استاندارد طلا» در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی به پایان رسیده باشد، اما در طول ۵۰ سال بعد، نفت به عنوان نظام دیگری به تدریج و در سکوت جای آن را گرفت.

نظامی که به «پترودلار/Petrodollar» معروف شد، در عمده این سال‌ها چندان شناخته‌شده نبود؛ اما توافقی محرمانه میان هنری کیسینجر (وزیر خارجه اسبق آمریکا) و عربستان سعودی تضمین کرد که دلار همچنان ارز ذخیره غالب در جهان باقی بماند.

با این حال، جنگ جاری آمریکا و (رژیم) اسرائیل علیه ایران در حال برملا کردن پاشنه آشیل واشنگتن است؛ زیرا چین در تلاش است تا «پترویوان/Petroyuan» را به عنوان جایگزین آشکار پترودلار مطرح کند. نکته قابل توجه‌تر اینکه عربستان سعودی نیز ۲ سال پیش، بی‌سروصدا به پترودلار پایان داد.

جنگ آمریکا و (رژیم) اسرائیل علیه ایران، بار دیگر قدرت پترودلار را در کانون توجهات قرار داده است؛ نظامی که یکی از پایه‌های اصلی سلطه آمریکا بر تجارت جهانی به شمار می‌رود. با این حال، اقتصاددانان هشدار می‌دهند که ساختار پولی مبتنی بر دلار، سال‌هاست به تدریج از درون دچار فرسایش شده است.

تحلیلگران، دهه ۲۰۲۰ را آغازگر بزرگ‌ترین تحول در رابطه میان جهان و دلار از سال ۱۹۷۴ تاکنون می‌دانند. با ادامه یافتن جنگ ایران، شکاف‌های نظام پولی قدیمی نیز هر روز عمیق‌تر می‌شوند. البته دلار همچنان ارز غالب جهان است، اما دیگر تنها گزینه موجود نیست. برای درک شرایط کنونی، باید کمی به عقب بازگردیم و ببینیم این نظام چگونه شکل گرفت.

سفر محرمانه هنری کیسینجر چه بود؟

آمریکا در سال ۱۹۷۴ با عربستان سعودی به توافقی دست یافت که بر اساس آن، این کشور حوزه خلیج فارس پذیرفت که نفت خود را صرفاً با دلار آمریکا به فروش برساند. در مقابل، آمریکا متعهد شد کمک‌های نظامی و حمایت‌های امنیتی در اختیار عربستان قرار دهد.

آمریکا که در آن مقطع ریچارد نیکسون ریاست جمهوری آن را بر عهده داشت، پس از پایان نظام «استاندارد طلا» در سال ۱۹۷۱، به دنبال تضمین تقاضای جهانی برای دلار بود.

همچنین در پی بحران نفتی سال ۱۹۷۳، واشنگتن انگیزه بیشتری پیدا کرده بود تا زنجیره تأمین نفت خود را تثبیت کند. از آنجا که نفت نقشی اساسی در تقریباً تمام صنایع ایفا می‌کرد و همچنان این نقش را دارد، نظام پترودلار به سرعت فراگیر و دلار به یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد جهانی تبدیل شد. کشورهای نفت‌خیز برای نگهداری ذخایر دلاری رو به رشد خود به محلی امن نیاز داشتند و به همین دلیل به خرید اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا روی آوردند. از سوی دیگر، کشورهای خریدار نفت نیز معاملات خود را با اسکناس سبز انجام می‌دادند.

این چرخه، به ایجاد یک معماری پولی منجر شد که به‌شدت به نفع دلار آمریکا بود و بیش از ۵۰ سال دوام آورد. عربستان سعودی و همچنین کشورهای قطر، عمان، بحرین و امارات متحده عربی، به دلیل پیوند نرخ ارز داخلی خود با دلار آمریکا، به ذخایر پشتیبان در حدود ۸۰۰ میلیارد دلار نیاز دارند. افزون بر این، صندوق‌های ثروت ملی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بیش از ۲ تریلیون دلار در دارایی‌های آمریکایی سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

با این حال، درگیری‌های جاری در منطقه خلیج فارس ضعف‌های نظام پترودلار را آشکار کرده است. پس از نخستین حمله آمریکا و (رژیم) اسرائیل علیه ایران، تهران عملاً تنگه هرمز را بست؛ آبراهی که حدود ۲۰ درصد از عرضه جهانی نفت از طریق آن مبادله می‌شود. کارشناسان صنعت نفت گفته‌اند برخی کشتی‌ها توانسته‌اند با پرداخت بهای عبور به یوآن چین از این گلوگاه راهبردی عبور کنند؛ هرچند آمریکا اکنون (مدعی شده) که در حال تسهیل عبور کشتی‌های بیشتری از این مسیر تجاری است.

به گفته اقتصاددانان، کشورهای حوزه خلیج فارس سال‌ها پیش از درگیری کنونی، بی‌سروصدا در حال تنوع‌بخشی به شرکای تجاری خود بوده‌اند. این کشورها بخشی از معاملات نفتی خود را خارج از چهارچوب دلار انجام داده‌اند و بدین ترتیب، عملاً اصل انحصاری بودن دلار در تجارت نفت را از بین برده‌اند.

مایکل هریس، تحلیلگر گروه مالی EBC، در یادداشتی نوشته که سهم دلار از ذخایر ارزی جهان به پایین‌ترین سطح خود در ۲۵ سال گذشته رسیده و از ۷۱ درصد در سال ۱۹۹۹ به حدود ۵۷ درصد در حال حاضر کاهش یافته است.

نشانه‌ها حاکی از آن است که چین می‌تواند بزرگ‌ترین برنده روند دلارزدایی باشد. در سال ۲۰۲۴، عربستان سعودی تعهد خود برای قیمت‌گذاری انحصاری نفت با دلار را به‌طور رسمی تمدید نکرد. البته توافق سال ۱۹۷۴ هرگز یک تعهد رسمی و الزام‌آور نبود و ماهیت محرمانه آن نیز این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا اساساً به تغییر سیاست رسمی منجر شده بود یا خیر. با این حال، ریاض اقداماتی برای تنوع‌بخشی به شرکای تجاری خود انجام داده است. عربستان سعودی و چین در سال ۲۰۲۳ توافق‌نامه سوآپ ارزی به ارزش هفت میلیارد دلار امضا کردند. بانک مرکزی عربستان نیز یکی از مشارکت‌کنندگان کلیدی در سکوی پرداخت دیجیتال «ام‌بریج/mBridge» است؛ بستری که امکان مبادله مستقیم ارزها از طریق فناوری بلاک‌چین را فراهم می‌کند.



هریس در این باره می‌نویسد: این تغییر بازتاب یک واقعیت اقتصادی بنیادین است. چین جای آمریکا را به عنوان بزرگ‌ترین مشتری نفت عربستان گرفته است. در حالی که واقعیت‌های اقتصادی عربستان را به سمت یوآن سوق می‌داد، ساختار پولی این کشور همچنان بر دلار استوار بود. عربستان سعودی حتی در معاملات خود با چین نیز همچنان عمدتاً از دلار استفاده می‌کند، اما اکنون مسیر برای استفاده از ارزهای دیگر نیز باز شده است.

تضعیف پترودلار از چه زمانی آغاز شد؟

نشانه‌های ضعف پترودلار حتی پیش از توافق سوآپ ارزی عربستان و چین نیز به تدریج آشکار شده بود. در اوایل دهه ۲۰۱۰، آمریکا در پی الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه، به همراه شماری از کشورهای دیگر تحریم‌هایی علیه مسکو اعمال کرد. مسکو در واکنش به این تحریم‌ها، روند دلارزدایی از اقتصاد خود را آغاز کرد و با چین به توافق سوآپ ارزی به ارزش ۱۵۰ میلیارد یوآن، معادل حدود ۲۵ میلیارد دلار، دست یافت.

به نوشته این رسانه، گرچه ایران چندین دهه است که نفت خود را به چین می‌فروشد، اما روابط دو کشور پس از بازگشت تحریم‌های آمریکا در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ تقویت شد. اکنون خرید نفت چین حدود ۹۰ درصد از کل صادرات نفت ایران را تشکیل می‌دهد.

دیوید وایت، تاریخ‌نگار دانشگاه کارولینای شمالی، در گفت‌وگو با نشریه فورچون می‌گوید: با آغاز جنگ کنونی، توجه‌ها بار دیگر به این واقعیت جلب شده که ایران سال‌هاست بخش قابل توجهی از نفت خود را با یوآن می‌فروشد؛ زیرا نمی‌خواهد به آمریکا وابسته باشد یا به این کشور کمک کند و در تلاش است تا از تحریم‌های آمریکا دور بماند. ایران به دنبال یافتن خریدار برای نفت خود است و این خریدار عمدتاً چین است.

اقتصاددانان دویچه بانک آلمان پیش‌تر هشدار داده بودند که حملات آمریکا و (رژیم) اسرائیل علیه ایران، روابط تهران و پکن را بیش از پیش تقویت خواهد کرد و در نتیجه، به تقویت یوآن به بهای تضعیف دلار منجر می‌شود. این تحلیلگران در یادداشتی خطاب به مشتریان خود نوشتند: در چنین شرایطی، گزارش‌ها مبنی بر اینکه عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز ممکن است در ازای پرداخت بهای نفت با یوآن امکان‌پذیر شود، باید با دقت رصد شود. این درگیری می‌تواند به عنوان یکی از کاتالیزورهای کلیدی فرسایش سلطه پترودلار و آغاز شکل‌گیری نظام پترویوان در تاریخ ثبت شود.

دیوید وایت می‌گوید که «در مقیاسی گسترده‌تر، توجه دوباره به پترویوان و همچنین تهدیدهای مکرر دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، برای تشدید حملات علیه ایران، این پیام را به سایر کشورها منتقل کرده است که در برخی شرایط، پترودلار الزاماً مطلوب‌ترین گزینه برای انجام معاملات نیست.»

گزارش دویچه‌بانک حاکی از آن است که بیش از ۹۰ درصد تجارت فرامرزی در قاره آمریکا از طریق پترودلار انجام می‌شود. این سهم در منطقه آسیا و اقیانوسیه به حدود ۷۰ درصد و در اروپا به حدود ۲۰ درصد از صورت‌حساب‌های تجاری کاهش می‌یابد.

به گفته وایت، «این موضوع به خودیِ خود باعث فروپاشی کل نظام نخواهد شد. اما به اعتقاد من، افزایش رویکرد تهاجمی آمریکا در حوزه‌های مختلف، چه در زمینه تحریم‌ها و چه در زمینه جنگ، باعث شده کشورهای بیشتری از خود این سؤال را بپرسند که «اگر به هر دلیلی اوضاع ناخوشایند شود، آیا واقعاً می‌خواهیم تا این اندازه به دلار وابسته باشیم؟»»

چین چگونه خود را برای بهره‌برداری از تزلزل پترودلار آماده کرده است؟

به گفته فاضل قابوب، دانشیار اقتصاد دانشگاه دنیسون در اوهایوی آمریکا و رئیس «موسسه جهانی شکوفایی پایدار»، چین خود را برای بهره‌برداری از هرگونه تزلزل در اعتماد به نظام پترودلار آماده کرده است. چین روزانه حدود ۱۵ تا ۱۶.۶ میلیون بشکه نفت مصرف می‌کند؛ رقمی که معادل حدود ۱۵ تا ۱۶ درصد از کل مصرف نفت جهان است.

چین در سال ۲۰۱۸ بورس بین‌المللی انرژی شانگهای را راه‌اندازی کرد؛ نهادی وابسته به بورس معاملات آتی شانگهای که برای سرمایه‌گذاران بین‌المللی امکان استفاده از یک سازوکار معاملاتی خارج از نظام پترودلار آمریکا را فراهم می‌کند.

قابوب در گفت‌وگو با فورچون گفت: از نگاه کشورهای خلیج فارس، تجارت با یوآن یک توافق ژئوپلیتیکی نیست؛ یک توافق امنیتی هم نیست. صرفاً انجام معاملات و تراکنش‌های تجاری منطقی و مبتنی بر عقل سلیم است. از نگاه چین، این اقدام یکی از سنگ‌بناهای جایگاهی است که این کشور می‌خواهد طی ۵۰ سال آینده به آن دست پیدا کند.

به گفته قابوب، چین در حال دنبال کردن همان الگویی است که آمریکا هنگام تثبیت نظام پترودلار به کار گرفت. پکن با ارسال این پیام به کشورهای متحد خود در منطقه خلیج فارس که می‌تواند در دوران تنش‌های ژئوپلیتیکی یک «چترامنیتی» و جایگزینی برای نظام پولی موجود فراهم کند، در حال پیشبرد اهداف خود است. با این حال، چین سرمایه‌گذاری گسترده‌ای نیز در منابع انرژی تجدیدپذیر انجام داده است. به عنوان نمونه، ظرفیت عملیاتی تولید برق این کشور از انرژی خورشیدی تقریباً چهار برابر آمریکاست. پکن به خوبی می‌داند که در جهانی که وابستگی به نفت کاهش می‌یابد، برای حفظ سلطه اقتصادی خود باید برتری‌اش را در حوزه انرژی‌های نو حفظ کند.